

بازآفرینی هویت شهری با استفاده از مفاهیم و نمادهای اسلامی - ایرانی در طراحی المان های شهری

عباس حسنعلی پور

دانش آموخته دکتری، الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه اصول دین، قم، ایران.

نام نویسنده مسئول:

عباس حسنعلی پور

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱/۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۳/۵

چکیده

از آنجایی که توجه به شاخص ها و نمادهای ایرانی-اسلامی، در طراحی معماری شهرها کمتر مورد توجه قرار گرفته و در مقابل استفاده از نمادهای مدرن، ناسازگاری با هویت ایرانی-اسلامی افزایش یافته است. بحران هویت بعنوان یک عارضه ی شهرنشینی به یکی از چالش های اجتماعی، فرهنگی معاصر بدل گشته است که انعکاس آن در شهرهایی آشفته، تهی از ارزش های فرهنگی-اجتماعی نمود پیدامی کند. در مباحث شهری، المان ها عناصری مهم از لحاظ معماری و طراحی هستند که در داخل شهر و در حیطه یک تجربه قراردادی ما بین شهروندان، معناگذاری می شوند، و از آن جا که بیانگر هویت شهر، کشور و حتی مذهب در یک ساختار نمایان هستند، در خوانش شهروندان از شهر و محیط زیستی شان تاثیر مستقیم بر جای می گذارند. یکی از مهم ترین وظایف متولیان امور شهری تلاش برای هویت دادن به فضاهای شهری به منظور ایجاد حس تعلقات مکانی در آن هاست. وجود نشانه هایی در شهر که یاد آور پیشینه تاریخی، ویژگی های جغرافیایی، با خصوصیات اجتماعی ساکنین آن محله یا شهر باشد، علاوه بر زیبایی های بصری از لحاظ روانی نیز باعث ایجاد آرامش، هویت بخشی به فضای کالبدی و یادآور خاطرات جمعی گذشته می گردد و القاء حس مسئولیت پذیری شهروندان در مقابل امور شهرشان را به دنبال دارد. در طراحی شهری، میلمان و المان ها، می توانند آینه تمام نما از هویت و رویدادهای شهر باشند که در القا هویت و فرهنگ شهر حرف اول را می زنند و بهتر است طوری طراحی شوند که به حفظ حس مکان بیانجامند، چرا که مکانی، حرفی برای گفتن دارد که هویت داشته باشد، هویتی که ناشی از آثار تاریخی و بافت های با ارزش است. المان های شهری نه تنها به غنای بصری شهر و فضای زیست اجتماعی کمک می کنند، بلکه به عنوان نمادها و نشانه هایی از فرهنگ و هویت جمعی ما قابل استناد هستند. حال این پژوهش با این فرضیه که طراحی المان ها و نشانه های شهری متناسب با اقلیم و فرهنگ هر منطقه موجب تقویت هویت آن منطقه می شود سعی گردیده است تا با بررسی اهمیت المان های شهری در هویت بخشی به شهرها و ارتقاء آن در سطح ملی و بین المللی ضرورت نماد سازی برای شهرها را در نظر مدیران و طراحان و برنامه ریزان شهری برجسته نماید.

واژگان کلیدی: المان، شهرهای ایرانی - اسلامی، هویت.

مقدمه

در جهان امروز، تلاش برای حفظ هویت، یکی از منازعات اصلی ملت هاست. معماری و طراحی شهری نیز از این امر مستثنی نیستند. تجربه مکان، خاطرات و وابستگی های آن، امروزه امری دست نیافتنی محسوب می شود. زندگی شهری جدید، انسان ها را کوچ نشین کرده است. اجداد بشر، قرن ها در یک منزلگاه ماوا داشتند، اما انسان های امروز، بسیار پر تحرک هستند. «هویت» مجموعه ای از صفات و مشخصاتی است که باعث «تشخص» یک فرد یا اجتماع از افراد و جوامع دیگر می شود؛ شهر نیز به تبعیت از این معیار، شخصیت یافته و مستقل می گردد. مقوله هویت به طور عام و هویت شهری به طور خاص از جمله مقولاتی است که به جهت نقشی که در شناخت افراد، اشیاء، اجتماعات و مکان ها دارد، حائز اهمیت فراوان است. علی رغم اهمیت این موضوع در دوران اخیر بحران هویت شهری به صورت نگران کننده ای احساس می گردد [1]. شهرها و فضاهای شهری در گذشته از استقلال، شخصیت و هویت ویژه ای برخوردار بوده اند؛ در حالیکه آنچه اغلب از شهرهای کنونی در ذهن عموم شکل می گیرد جز مجموعه ای از ساختمان های بلند، خیابان ها، ادارات و پارک ها نیست که در نتیجه آن، تعلق خاطر به این فضاها به مرور کمتر و کمتر می شود. تحولات زندگی امروز این پرسش را در ذهن مطرح می سازد که آیا هویت در نحوه برقراری ارتباط با المان ها و فضای شهری نقشی ایفا میکند؟ آیا ایرانیان با هویت ایرانی اسلامی احساس تعلق می کنند؟ انسان تا زمانی که ماهیت خود را از دست نداده باشد، به خاطره، احساس، خانه و وطن تعلق و نیاز خواهد داشت [2]. لذا آنچه مکان را متفاوت کرده و به آن معنی خودی می دهد، همچنان اهمیت دارد و این، معنای هویت است؛ تمایز ناشی از فضاهای شهری از جمله المان هاست که موجب منحصر به فرد شدن آنها می شود [3]. اما با گسترش بی ضابطه بسیاری از شهرهای بزرگ و افزایش جمعیت رفته رفته تسلط مسئولین شهری به کنترل اوضاع اجتماعی و پرداختن به امور سیمای شهرها و ساماندهی آنها کمتر از گذشته می شود و گاهی حفظ هویت در زیرپوشش عملکرد ها و پاسخ به نیاز روزمره شهروندان به فراموشی سپرده می شود. با توجه به این که هویت یکی از ویژگی های مهم معماری ایرانی است؛ سبب ایجاد کیفیت در طراحی فضاهای شهری می شود. به دنبال طراحی فضاهای با هویت "حس تعلق" و "ماندگاری" افزایش می یابد. با فرض این که در طراحی المان میدان آزادی تهران از برخی عناصر و اصول معماری ایرانی استفاده شده، آن را یکی از آثار با هویت ایرانی دانسته و شاخص های مختلف ایجاد هویت در این اثر ماندگار بررسی می شود. شاخص های هویت شهری در این پژوهش، مواردی نظیر: عوامل کالبدی، فرهنگ، پیوستگی فضاهای عمومی شهری، خوانایی، ظاهرسازی فضاهای شهری، عناصر نشانه ای و مکان های خاطرات جمعی می باشد. این موارد در ابعاد گوناگون سنجیده شده و میزان تاثیرشان بررسی می شود. متأسفانه در مورد المان ها و هویت مندی آن ها منابع جسته و گریخته و بسیار کمی کار شده است [4]. از آن جمله می توان به مقاله هویت انسان ساز، انسان هویت پرداز نوشته دکتر عیسی حجت و مقاله بررسی و ارزیابی شاخص های موثر در هویت شهری (نمونه موردی محله جلفا در شهر اصفهان) نوشته دکتر پورجعفر اشاره کرد، که به عنوان منابع اصلی پروژه محسوب می شوند. کمبود منابع و عوامل بررسی شده در این مهم، نگارنده را به بررسی این موضوع پرداخته تا این خلا را جبران کند. اکنون در بررسی و کنکاش المان های شهری با تاکید بر هویت معماری ایرانی- اسلامی سولاتی در ذهن و اندیشه مطرح می شود که این پرسش ها به شرح ذیل بیان می شود؛

- ۱) اصول و معیارهای طراحی المان های شهری مطابق با هویت ایرانی- اسلامی چیست؟
- ۲) نقش المان های شهری بر تقویت هویت ایرانی- اسلامی در شهرها چگونه است؟
- ۳) آیا توجه به هویت ایرانی- اسلامی بر المان ها سبب ارتقای هویت شهری می شود؟
- ۴) رعایت چه عواملی در شکل گیری هویت ایرانی- اسلامی در المان ها می شود؟

بیان مسأله و اهمیت موضوع

آثار هنری در سطح شهر، نوعی هویت هنری و خاطره جمعی برای شهر به ارمغان می آورند و علاوه بر ارتقای ارزش هنری شهر، به افزایش کیفیت فضای شهری و تحول معماری پیرامونی و سازماندهی شهرسازی در محلات شهری کمک می نمایند. فضاهای یادمانی در به وجود آوردن تکیه گاهی برای مردم به عنوان ابزاری مناسب برای بازتولید خاطره در آشفته بازار شهر، به ویژه کلانشهرها، نقشی بسیار مهمی دارند. فضاها، سایت ها و بناهای یاد بود که در فضاهای عمومی بی تکلف واقع شده اند در به

وجود آوردن حس ماندگاری، خاطره سازی، ایجاد مکان، و توسعه رفتارهای جمعی و فردی نقش به سزایی دارند. شهرها خاطره ها را می سازند و خاطره ها نیز به شهرها شکل می دهند، جان می دهند و آنها را پویا و زنده می گردانند. المان های شهری می توانند یادها و خاطرات شهر را زنده کند و برای همیشه در ذهن شهروندان حک کند شهر به عنوان کلیتی انسجام یافته از مردم، اجزای کالبدی و خاطرات ساکنانش ماهیتی سازمان یافته می یابد و به مکان و زمان معنا می بخشد. شهری که فاقد خاطرات مشخص است و خاطرات مبهمی در ذهن تداعی می کند، تاریخ خود را مصرف کرده و به اتمام رسانده، از اسارت مرکز و قید هویت آزاد است، موقتی بوده و بارزترین نماد شناسایی آن فرودگاه ها و هتل ها هستند و در نهایت نشانه مرگ قطعی برنامه ریزی است. شهر بی خاطره شهر بی هویت است [4]. به نظر می رسد یکی از مشکلات اصلی در معماری و شهرسازی شهرهای معاصر در کشور ما، سرعت تغییرات محیط فیزیکی، خیابان ها و فضاهای شهری و در نتیجه دگرگونی های سریع و متوالی در خاطرات جمعی است. یکی از علل این معضل اساسی، از بین رفتن معنا و مفهوم فضاهای عمومی است. در این ارتباط استفاده از المان ها و یادمان های شهری نقش به سزایی در هویت بخشی و خاطره انگیزی فضا خواهد داشت جامعه شناسان پیوندی را که نمادها و یادمان های شهری در تعاملات اجتماعی برقرار می کنند، یکی از مهمترین ویژگی ها و کارکردهای آنها می دانند و برای این نقش سهم قابل توجهی در انتقال مفهوم و دستاوردهای بشر از نسلی به نسل دیگر قائل هستند. همین هم ریشگی در اندیشه ها، خاطره ها و تصویرهای ذهنی است که باعث می شود شهروندان با تجسم یک مفهوم (نماد) پیوندی محکم و ناگسستنی برقرار کنند. علاوه بر کارکرد های هویتی و خاطره ساز، یادمان ها تصویری روشن از اندیشه های حاکم بر مناسبات اجتماعی و سیاسی به دست می دهند. به گونه ای که این تعاملات متناسب با هر دوره نمایانگر نوع تفکر، علایق، تمایلات و انگاره های آن جامعه است. باز تولید خاطره در شهر و اتصال گذشته به حال از این طریق، موجب حس تعلق به مکان می شود و انسان ها را از بیگانگی نسبت به شهر می رهند. از طرفی، عرصه عمومی، عرصه ای مناسب برای ظهور هنرهای عمومی است که معمولاً به صورت مجسمه ها و یا نقاشی های دیواری نمایان می گردد. اصولی بر زبان طراحی شهری سنتی حاکم است که سبب می گردد در شهر، هر بنا نقش واژه ای را یابد، مجموعه بناها جمله را شکل می دهند. محله ها فصول و متون را می سازند و شهر کتاب می شود و بدین ترتیب در ادراک ذهنی شهروندان به خوبی نقش می بندد. از جمله این اصول می توان به اصل سلسله مراتب، کثرت و وحدت، تمرکز، تجمع، تباین، اتصال، توازن، تناسب، تداوم، قلمرو، سادگی و پیچیدگی، و استقرار اشاره نمود. بدین ترتیب هر جزء یا عنصری در خدمت کل یعنی مفهوم شهر قرار می گیرد و به کمک اصول مطرح شده پیوند میان اجزاء یا یکدیگر و با کل برقرار می گردد [5].

پیشینه پژوهش

بررسی و مطالعه در خصوص هویت کالبد شهر در محدوده خاورمیانه سابقه چندانی ندارد و نخستین بار در دهه های آغازین قرن بیستم به صورت علمی مطرح گردید و شرق شناسان فرانسوی اولین نویسندگانی بودند که اصطلاح شهر اسلامی را به کار گرفتند. نظریاتی که این محققین در خصوص هویت کالبدی شهر اسلامی ارائه داده اند، بیشتر متکی بر مطالعات آنها برای شهرهای شمال آفریقا بوده است. از جمله پژوهشگرانی که به بررسی ویژگی های شکلی شهر اسلامی پرداخته اند می توان به ژان سوواژه^۱ (۱۹۳۴)، ایرا ماروین لاپیدوس^۲ (۱۹۷۳)، آلبرت هورانی^۳ (۱۹۷۰)، ژانت ابولوقد^۴ (۱۹۸۷)، نظار الصیاد (۱۹۹۱) و مایکل دامپر^۵ (۲۰۰۷) اشاره کرد. این پژوهشگران کوشیده اند با بررسی و مطالعه یک شهر یا شهرهای یک منطقه الگویی هویتی برای همه شهرهای واقع در قلمرو حکومت اسلامی ارائه دهند. هرچند نتایج ارائه شده تا حدود زیادی با هویت بسیاری از شهرهای ایرانی اسلامی نیز هماهنگی دارد، از آنجایی که بر شهرهای حوزه فرهنگی خاصی تکیه دارد (کشورها عرب و آفریقایی) نمی توان تصویر مناسبی از هویت شهرهای ایرانی ارائه دهند. پیش از این تنها در سفرنامه ها می توان شاهد توصیفات و برداشت هایی از

¹ Jean Sauvaget

² Ira M. Lapidus

³ Albert Hourani

⁴ Janet Abu al-Quds

⁵ Michael Dumper

شهرسازی و معماری کشورهای حوزه قلمرو اسلامی بود. پاره ای دیگر از پژوهشگران در مطالعه ماهیت هویت بخشی شهر اسلامی به مفاهیم منبعث شده از جهانبینی اسلامی روی آورده اند. بمانیان به مفاهیمی چون توحید، وحدت وجود، تجلی، تسبیح موجودات، تفکر در آیات الهی و نظم آفرینش و حرکت در جهان مادی اشاره کرده است. نقی زاده نیز با تکیه بر آیات و روایات به بررسی مفهوم شهر اسلامی پرداخته است. وی دو رکن عدالت و توحید را به عنوان اصول بنیادین جهانبینی اسلامی متبلور در شهر اسلامی معرفی می کند. وی سه رکن اصلی را برای شهر قائل است: انسان قوانین و مقررات و کالبدکه حاصل عمل انسان است؛ که در بحث شهر اسلامی نقی زاده ایمان اهل یک شهر را مهمترین عامل و عنصر شکل دهنده و تعریف کننده شهر اسلامی دانسته و عنصر دیگر را قوانینی حاکم بر شهر و روابط اهل شهر می داند که در اینجا مستخرج از احکام اسلامی است. وجه سوم تجلیات کالبدی و آثار انسان است، که برآیند این سه شهر اصیل اسلامی را تشکیل می دهد. گروه دیگری از پژوهشگران به جنبه های هویتی و مردم شناسانه شهر ایرانی اسلامی پرداخته اند و به روابط همسایگی و هم محله ای، هم دینی و صنفی در شهر ایرانی اسلامی به عنوان ساختار هویتی جامعه اسلامی و نحوه تأثیرگذاری این ساختارها بر شکل شهر پرداخته اند. در کل، با توجه به بررسی های صورت گرفته باید ذکر نمود که گرچه در زمینه هر یک از اجزای موضوع پژوهش در رشته های مختلف، مبانی نظری و علمی فراوانی وجود دارد، اما به طور خاص که به بررسی عناصر زیبای شهری و تأثیر آن در هویت بخشی به شهر پرداخته شده باشد، کمتر صورت گرفته است. یوسفی، رحمانی و قربان خانی در مقاله ای تحت عنوان ارزیابی نقش المان های شهری بر ارتقای حس مکان در فضاهای شهری (نمونه موردی: شهر همدان)، معتقدند که المان های شهری در کنار سایر عوامل تاریخی و فرهنگی، عامل تداعی خاطره و سرزندگی مکان از عوامل مهم و برجسته در ایجاد و ارتقای حس تعلق و دلبستگی به مکان در شهر است. همچنین نقش معیارهای زیبایی و چشم نوازی، خاطره انگیزی و معانی و مفاهیم المان های شهری در ارتقای حس تعلق به مکان را بسیار زیاد می دانند. رحیمیون در مقاله ای تحت عنوان هویت بخشی به شهر از طریق بهره گیری از عناصر طبیعی (نمونه موردی شهر همدان)، تأثیر عوامل طبیعی موجود در شهرها را در هویت بخشی به آنها مورد بررسی قرار داده است. نوفل، کلبادی و پورجعفر در مقاله ای تحت عنوان بررسی و ارزیابی شاخص های مؤثر در هویت شهری ضمن بیان ماهیت چند وجهی هویت شهر، به اخذ یک رویکرد سیستمی و همه جانبه نگر که به بیان شاخص های مؤثر بر هویت محله جلفای اصفهان در ابعاد گوناگون زیست محیطی، اقتصادی، اجتماعی، کالبدی- فضایی می پردازد، اشاره می کند. امین زاده در مقاله ای تحت عنوان ارزیابی زیبایی و هویت مکان، ترجیحات مردم از زیبایی و هویت مکان زندگیشان را به آزمون می گذارد. وی با بررسی نظرات مردم راجع به طرح بازسازی منطقه نواب و بافت قدیم اطراف آن بیان می دارد که بین مناظر زیبا و مناظر با هویت ارتباط تنگاتنگی وجود دارد. نقی زاده در کتاب ادراک زیبایی و هویت شهر در پرتو تفکر اسلامی به بحث هویت در شهر و رابطه آن با زیبایی شناسی پرداخته است. علی سلسله و محسن سلسله در مقاله ای تحت عنوان بررسی تأثیر عامل هویت (ایرانی-اسلامی) بر زیبایی شهر، به بررسی هویت از ابعاد گوناگون و تأثیر و کارکردی نمودن آن در زیباسازی شهرها می پردازند. یوسفی، رحمانی و قربانخانی در مقاله ای تحت عنوان ارزیابی نقش المان های شهری بر ارتقای حس مکان در فضاهای شهری (نمونه موردی: شهر همدان)، معتقدند که المان های شهری در کنار سایر عوامل تاریخی و فرهنگی، عامل تداعی خاطره و سرزندگی مکان از عوامل مهم و برجسته در ایجاد و ارتقای حس تعلق و دلبستگی به مکان در شهر است. همچنین نقش معیارهای زیبایی و چشم نوازی، خاطره انگیزی و معانی و مفاهیم المان های شهری در ارتقای حس تعلق به مکان را بسیار زیاد می دانند. رحیمیون در مقاله ای تحت عنوان هویت بخشی به شهر از طریق بهره گیری از عناصر طبیعی (نمونه موردی شهر همدان)، تأثیر عوامل طبیعی موجود در شهرها را در هویت بخشی به آنها مورد بررسی قرار داده است. نوفل، کلبادی و پورجعفر در مقاله ای تحت عنوان بررسی و ارزیابی شاخص های مؤثر در هویت شهری ضمن بیان ماهیت چند وجهی هویت شهر، به اخذ یک رویکرد سیستمی و همه جانبه نگر که به بیان شاخص های مؤثر بر هویت محله جلفای اصفهان در ابعاد گوناگون زیست محیطی، اقتصادی، اجتماعی، کالبدی- فضایی می پردازد، اشاره می کند. امین زاده در مقاله ای تحت عنوان ارزیابی زیبایی و هویت مکان، ترجیحات مردم از زیبایی و هویت مکان زندگیشان را به آزمون می گذارد. وی با بررسی نظرات مردم راجع به طرح بازسازی منطقه نواب و بافت قدیم اطراف آن بیان می دارد که بین مناظر زیبا و مناظر با هویت ارتباط تنگاتنگی وجود دارد. نقی زاده در کتاب ادراک زیبایی و هویت شهر در پرتو تفکر اسلامی به بحث هویت در شهر و رابطه آن با زیبایی شناسی پرداخته است. علی سلسله و محسن سلسله در مقاله ای

تحت عنوان بررسی تأثیر عامل هویت (ایرانی-اسلامی) بر زیبایی شهر، به بررسی هویت از ابعاد گوناگون و تأثیر و کارکردی نمودن آن در زیباسازی شهرها می-پردازند.

مروری بر ادبیات تحقیق

قبل از پرداختن به مباحث نظری و ادبیات موضوع، لازم است ابتدا به تعریف و مفهوم برخی از کلمات و عبارات کلیدی تحقیق پرداخته شود، از جمله؛

هویت^۶

در هیچ یک از هنرهای سنتی، هیچ چیز از معنا (به مفهوم روحانیت و معنویت) تهی نیست. این بدان دلیل است که اصولاً تفکر سنتی برای هر شیء ظاهر و باطن قائل است و حتی انسان را نیز به صراحت مشتمل بر این دو قلمرو می داند. هر اثر هنری علاوه بر عملکرد ظاهری خویش واجد ساحتی معنوی و روحانی نیز است. هویت و کیستی چیست؟ اقبال لاهوری می گوید: هویت گوهری است که من با آن منم و زنده ام. تعاریف گوناگونی از مفهوم هویت ارائه شده است: در فرهنگ علوم انسانی: هویت، کیستی، کیستی؛ همانی، همانستی؛ هویت فردی، فردیت. در فرهنگ عرفانی: هویت، ذات مطلق را گویند. وجود هرگاه به طور مطلق اعتبار شود، نه به شرط شیء و نه به شرط لاشیء، هویت ساریه است. آنچه را شیئیت شیء به آن است به اعتبار تحقق، حقیقت گویند و به اعتبار تشخیص، هویت گویند و با قطع نظر از هر یک، ماهیت گویند. ملاصدرا نیز در کتاب اسفار معتقد است مراد از هویت ساریه وجود منبسط و فیض مقدس و نفس رحمانی است. در فرهنگ منطق: هویت، ماهیت مشخص متعین جزئی که در خارج موجود است. در فرهنگ معین: هویت عبارت است از حقیقت جزئی، یعنی هرگاه ماهیت با مشخص لحاظ و اعتبار شود و گاه به معنای وجود خارجی است و مراد تشخیص است و هویت گاه با لذات و گاه بالعرض است. بنابراین می توان اذعان داشت، هویت از دیدگاهی، همراه با طبیعت و ماهیت آشکار می شود. ماهیت، آنچه شیء بودن شیء به آن است، هنگامی که تشخیص می یابد و خود را از شیء بودن دیگر گونه متمایز می کند، به سخن دیگر خود بودن خود را تعیین می کند، جایی برای هویت آماده می کند. نظر ملاصدرا در مورد مفهوم هویت چنین است: هویت هر موجودی عبارت از نحوه خاص وجود است. در انسان، هویت واحده است که متشأن به شئون مختلف می شود و مراد او نفس است که موجب حفظ وحدت است [6]. از این رو افراد انسانی را مشخصاتی است که به واسطه آنها، هر یک از دیگری متمایزند و تا آخر عمر شخصیت در آنها باقی است و به آن هویت می گویند. در فرهنگ انگلیسی آکسفورد: معادل کلمه هویت (Identity) چنین آورده شده است:

Identity: The face of being what a person or thing is

هویت، آن حقیقت وجودی است که شخص یا شیء از آن برخوردار است.

Identity: the state of being very like or the same as some body or some thing.

در جدول شماره (۱) مقایسه ای تطبیقی در معنی واژه هویت انجام گرفته است. آنچه مسلم است اینکه هر شیء واجد هویتی است و این هویت به صفاتی مرتبت است که حاصل عمل آن شیء و معرف ویژگی های معنوی آن هویت هستند که در ظاهر و کالبد تجلی یافته است.

جدول شماره (۱): تعاریف «هویت» در فرهنگ علوم گوناگون

نام فرهنگ	مفهوم هویت
فرهنگ علوم انسانی	کیستی و کیستی
فرهنگ اصطلاحات و تعبیرات عرفانی	ذات مطلق
فرهنگ علوم فلسفی و کلامی	مشتق از «هو»، حقیقت جزئی
فرهنگ معارف اسلامی	حقیقت مطلقه مشتمل بر حقایق
فرهنگ اصطلاحات منطقی	ماهیت مشخص متعین جزئی که در خارج موجود است

⁶ Identity

فرهنگ المنجد عربی	«او» بودن
لغتنامه دهخدا	شخصی

هویت در جامعه مدنی

پرسش هویت در جامعه مدنی، پرسش چگونه «خود» ماندن است، نه چگونه «همان» ماندن؛ بنابراین اثر هنری در پی آشکار کردن ماهیت خود است نه در پی یافتن الگویی برای تکثیر. بی گمان هر اثر هنری در وضعی یکسر نوین پدیدار می شود، بیان درست ماهیت اثر، تشخیص لازم را در پی خواهد داشت. از نگاهی جامعه شناسانه نیز هویت انسان در جوامع سنتی تعیین شدنی و مبتنی بر تاریخ گذشته است. این گذشته است که بر امروز حکم می راند و در تداوم منطقی و قابل فهم گذشته اکنون و آینده پدید می آیند. در حقیقت مفهوم هویت مستقل از تجربه های فردی و جمعی شکل می گیرد. هویت و ماهیت اثر از آن یکدیگرند. بنابراین سخن گفتن از هویت آنچه ماهیتی ندارد، بی معناست. آنچه ماهیتی ندارد چیزی است که شیئیت نیافته و نمی تواند همزمان با آشکار کردن خود جهان خود را نیز آشکار کند. اثر هنری تا هنگامی که به سان اثر هنری ادراک نمی شود و حقیقتی را از جهان خود نمی گشاید نمی تواند هویتی داشته باشد. هویت یک اثر هنری از آن کل اثر است. نباید فراموش کرد که این کل زمان را نیز دربر می گیرد. اثر هنری همچون هر موجودی، در زمان زندگی می کند و دگرگون می شود و هویتش در زمانی که بر آن می گذرد آشکار می شود [7].

هویت کالبدی شهری

ویژگی های هر شهر تحت تأثیر محیط جغرافیایی شامل ساختارهای فرهنگی تاریخی آن منطقه جغرافیایی شکل می گیرد. البته ساختارهای فرهنگی از جمله ایدئولوژی و سیاست های حاکم بر هر منطقه جغرافیایی به شدت در هویت شهر تأثیر می گذارد، از اینرو می توان گفت هویت هر شهر تجلی فرهنگ در محیط است. لازم به ذکر است هویت شهر با شکل شهر تفاوت هایی دارد. امروزه شهرهای زیادی داریم که به ظاهر زیبا محسوب می شوند ولی از عناصر هویتی تهی می باشند. هویت و شخصیت شهر زمانی معنا پیدا می کند که شاخص های خاص شهر نمود یابند. شاخص هایی که ریشه در مکان و زمان دارند و با سنت، عقاید و به طور کلی با دانش و فرهنگ آن جامعه پیوسته اند. در کشور ما که یکی و شاید غنی ترین سرزمین ها از نظر بهره مندی از میراث و دست آوردهای فرهنگی است و از نمودهای آن شهرسازی و معماری ویژه و شناخته شده اش در سطح جهانی است، با توجه به این که زندگی امروزه خود را چگونه می خواهیم و فردا چگونه می اندیشیم و از گذشته خود چگونه بهره برمی داریم، ساختن شهرها و تولید عناصر معماری از حساسیت خاصی برخوردار است و بنابراین نیازمندیم که هویت گذشته و امروزین این دو را بازشناسیم و آن را تقویت نماییم [8]. در این رابطه این سؤال به ذهن می آید که آیا چنانچه بخواهیم به تقویت عوامل هویتی و مظاهر تشخیص در شهرسازی و معماری کشورمان بپردازیم اتکای صرف به ارزش های گذشته کافی است یا این که باید عوامل دیگری، علاوه بر ارزش های تاریخی و فرهنگی مد نظر قرار دهیم. در این راستا باید گفت برای دستیابی به هویت در شهرسازی و معماری برداشتن گام های زیر کاملاً مؤثر است؛

- تعریف جامع از هویت معماری و شهرسازی و تبیین نظریه هویت برای جامعه امروزین خود
- تقویت عوامل هویت بخش و مظاهر تشخیص
- ایجاد عوامل هویت بخش شهری و حذف عوامل ایجاد بی هویتی
- زدودن آشفتگی در سیمای شهرها و حفظ فضاهای مأنوس
- توجه به ایجاد اجزا و عناصر نمادین و نشانه های آشنای معماری شهری در ساخت شهرها

جدول (۲): ویژگی‌های موثر بر هویت شهری

ویژگی‌های موثر بر هویت شهری			کاربری‌های شهری موثر در تعریف هویت شهراسلامی
ویژگی‌های عملکردی- کارکردی	ویژگی‌های عینی-شکلی (فیزیکی)	ویژگی‌های ذهنی	
نشانه شهری؛ مطلوبیت؛ سازگاری؛ کاربری و عملکرد اصلی؛ اختلاط کاربری‌ها؛ همجواری‌ها	مصالح؛ شفافیت؛ تنوع؛ خصوصیات بصری؛ سابقه تاریخی؛ مظاهرو سبک معماری و ساختمان؛ فرم و شکل؛ تراکم/طبقات؛ اندازه و سطح	زیبایی نمادین؛ نفوذپذیری؛ دلپذیری؛ بصری؛ سرزندگی؛ حس تعلق خاطر مکانی و حس شهروندی؛ خوانایی؛ تداعی کننده تاریخ/تمدن/فرهنگ؛ خاطره انگیزی	مذهبی، فرهنگی، تجاری خدماتی

بررسی تعاریف نظریه پردازان در ارتباط با هویت کالبدی

در رابطه با هویت کالبدی، دانشمندان مختلف دیدگاه‌های متفاوتی را مطرح نموده اند. برای مثال گوردن کالن در کتاب «خلاصه منظر شهری» تکنیک های منظر عینی را ارائه می کند و یا برای کوین لینچ در کتاب «سیمای شهر» تحلیل منظر ذهنی مهم است، و کارل کرووف در مقاله «بافت شهری و ویژگی های شهر» ریخت شناسی شهر را مطرح می کند. از نقطه نظر او ریخت شناسی، عامل تشخیص یک شهر از شهر دیگر است و همین عامل تشخیص و هویت شهر را نشان می دهد. مارکولالی جنبه خاص تری از هویت کالبدی را تعریف کرده و آن را برای انسان شهرنشین، هویت شهری نامیده است. به عقیده او هویت شهری حاصل پیوند عمیق میان فرد و محیط شهری اوست. به عقیده لالی هویت کالبدی تأثیری مثبت بر توانایی و اعتماد به نفس شهروندان دارد و شهروندان هر شهر را از غیر شهروندان آن متمایز می سازد. اریک لارسن، اندیشمند دانمارکی می گوید: شهر پیش از آنکه از پدیده ها تشکیل شده باشد، از تفاوت ها تشکیل شده است، تفاوت های مادی که جهت های لازم را برای آنکه بدانیم به کجا و چگونه باید حرکت کنیم به ما می دهند در واقع می توان گفت تنوع مکانی دلالت بر تنوع معنایی دارد. کریستوفر الکساندر برای تعریف هویت در بناها و شهرها می گوید: هویت هر فضا از تکرار مستمر الگوی خاصی از رویداد هایی که در آن مکان حاصل می شود، شکل می گیرد. هویت هر شهر یا بنا بیش از هر چیز تحت تأثیر رویدادی است که در آن اتفاق می افتد. در این رابطه باید خاطر نشان کرد که مسأله جهت دهی به خاطرات جمعی (Collective Memory) از طرف سیاست گذاران و برنامه ریزان شهری در راستای سیاست های ایجاد هویت جمعی در بسیاری از متون مرتبط با ارتباط خاطر، فرهنگ، هویت و زندگی هر روزه به نقد کشیده شده است. مسائل حساس در این حوزه عبارتند از امکان شکل گیری، ثبت و انتقال خاطرات جمعی در شهر، دستکاری و سیاست های گزینش خاطرات جمعی، جهانی شدن و محو یکتایی خاطرات شهرها و تعیین هویت تاریخی و فرآیند ایجاد هویت ایده آل که در ارتباط بسیار نزدیک با یکدیگر از طرف پژوهشگران علوم مختلف مورد مطالعه قرار گرفته اند [9]. در جدول شماره (۳) به دسته بندی نظریه های مطرح شده در رابطه با هویت کالبدی از منظر اندیشمندان شهری پرداخته شده است.

جدول شماره (۳): مفهوم هویت کالبدی از منظر اندیشمندان شهری

نظریه پرداز	مفهوم و تعریف هویت (کالبدی)	عوامل زیربنایی هویت (کالبدی)	نتیجه گیری
راپاپورت ^۷	خصوصیتی که قابل تمیز و تشخیص عنصری را از عناصر دیگر فراهم می آورد و عناصر شهری را از یکدیگر متمایز می سازد.	خصوصیات تاریخی، اجتماعی و روانشناسی	هویت مستلزم داشتن دو کیفیت "تفاوت برون گروهی" و "تشابه درون گروهی" خصوصیات به طور همزمان است.
کوبین لینچ ^۸	حدی که شخص می تواند یک مکان را به عنوان مکان متمایز از سایر مکان ها شناسایی کند، به گونه ای که شخصیتی منحصر به فرد داشته باشد.	خصوصیات تاریخی، اجتماعی و روانشناسی	هویت منجر به حس تشخیص، خوانایی و عملکرد عاطفی و حس تعلق به محیط می شود
کریستوفر الکساندر ^۹	هویت، تجسم کالبدی کیفیت های بی نام در بناها است	خصوصیات تاریخی، اجتماعی و روانشناسی	کیفیت هایی که مبنای اصلی حیات و روح هر انسان، شهر، بنا و یا طبیعت بکر هستند، تجسم کالبدی هویت اند.
والتر بور ^{۱۰}	هویت، همان تفاوت های کوچک و بزرگی است که باعث بازشناختن یک مکان و خوانایی محیط می شود.	وجود تنوع و جذابیت در فرم و عملکرد محیط	هویت منجر به خوانایی و حس تعلق به محیط می شود.
ادوارد رلف ^{۱۱}	هویت ارتباط متقابل "ترکیب ظاهری و کالبدی نمادها"، "عملکردها و فعالیت های قابل مشاهده" و مفاهیم نمادها در محیط است.	فضای کالبدی، مفاهیم و فعالیت ها در محیط	در مکان های شهری واجد هویت، تعامل بین ویژگی های کالبدی، فعالیت ها و مفاهیم در محیط دیده می شود.
گوردن کالن ^{۱۲}	هویت، توجه به شخصیت های فردی هر محیط و پرهیز از یکنواختی در محیط های شهری از طریق به جلوه در آوردن ویژگی های خاص هر محیط است.	سبک های طراحی کالبدی، جزئیات، خصوصیات، برجستگی ها و شیوه هایی که بناها در قالب آنها شکل می گیرند.	یک محیط شهری مطلوب باید هویت و شخصیتی مستقل از هویت فرد داشته باشد
جین جیکوبز ^{۱۳}	هویت در رابطه با فعالیت ها و زندگی خیابان های شهری از دیدگاه برنامه ریزی شهری تعریف می شود.	جنبه های برنامه ریزی شهری	تنوع در فعالیت های فضاهای شهری، اختلاط و ترکیب کاربری ها و عمده کردن حیات انسانی و اجتماعی در هویت محیط اهمیت دارد.

⁷ Amos Rapoport

⁸ Kevin A. Lynch

⁹ Christopher Alexander

¹⁰ Walter Bor

¹¹ Edward

¹² Gordon Cullen

¹³ Jane Jacobs

شهر اسلامی

تاکنون تعریف جامع و مانعی از شهر اسلامی و خصوصیات آن ارائه نشده است و متفکران و صاحب نظران در ارائه تعریفی مقتضی از این پدیده باز مانده اند. اصطلاح شهرهای اسلامی برای عموم پژوهشگران و ناظران مسلمان، بیانگر هویت ویژه فرهنگی، فضایی و تاریخی خاصی است که محیط شهری خود را از غیر آن جدا می کند، عنوان «شهر اسلامی» در واقع بر مبنای اشاره و تأکید ضمنی بر وجود نوعی ارتباط ذاتی، کلی و ساختاری بین یک دین و فضاهای مصنوع شهری است که می تواند گروه ویژه ای از مراکز جمعیت انسانی را در مقایسه با دیگر مراکز مشابهی که ممکن است از نظر اقلیم، معیشت و جمعیت، همانندی های کلی داشته باشند، متمایز کنند. شهر اسلامی در صدر اسلام به دلیل مرکز نشر و گسترش دین آموزش و پرورش تاسیس شد به عنوان مثال مکه با توجه به اینکه شهر بودن آن در جهت پاسخگویی به نیازهای دینی مدینه و یا به همان شیوه بوده است. در شهرستان اسلامی همان شخصیت، توسعه می شود، مرکز سیاست و دین در همان زمان و "شهروند" از قلب همان راه بستگی به معنای نظم و یک عضوی از مذهب و مدنی بود. "مارسی" براساس مطالعه ای که بر روی نوشته های مورخ، فیلسوف، جغرافی دان و حقوقدان عرب ابن خلدون داشته است، شهر اسلامی را اساساً با ویژگی شهری که در اطراف مسجد متمرکز شده است و دارای بازار و حمام است. توصیف می کند. بطور کلی سه عنصر "انسان"، "رفتار" و "کالبد" در ایجاد فضای کالبدی شهر دخیل می باشند. اما در شهر اسلامی سه عنصر "جهان بینی توحیدی"، "اخلاق و رفتار اسلامی" و "عمل و ارتباط اسلامی با عالم" در شکل گیری آن سهیم هستند. حال اگر این سه عنصر رابه صورت دوایر متقاطعی نشان دهیم، بهترین حالت وقتی است که سه دایره بر هم منطبق باشند [9].

هویت شهر اسلامی

هویت شهر اسلامی به عنوان مجموعه ای کامل از الگو های غیر مدرن، و رای اختلاف های زمانی و مکانی و فرهنگی قابل شناسایی است و صنعت اسلامی در کنار معماری و شهرسازی، نشان دهنده اسلام به عنوان تمدن است و نه اسلام به عنوان دین. شهر اسلامی در ابعاد فیزیکی، اجتماعی، دینی، اقتصادی و سیاسی دارای هویت مستقل و اسلامی است. تاثیرپذیری فرهنگ های مردم جهان در ابعاد گوناگون، من جمله در شیوه شهرسازی از یکدیگر امری کاملاً طبیعی و از قدیم تا به امروز وجود داشته. سرمشق مورد تاکید هویت شهر سنتی، همگرایی قوی محیط اجتماعی و کالبدی آن هاست. در تداوم هویت، تصور زمان صرفاً با نماد امکان پذیر است. زیرا این نمادها هستند که با ایجاد و نگهداری تاریخ قادرند گذشته را نگهداری و آن را در زمان حاضر مجسم کنند [9].



شکل شماره (۱): ابعاد موثر کاربری های شهری بر هویت شهر اسلامی

ارتباط محیط مصنوع و هویت ایرانی-اسلامی

- محیط (معماری شهر) واجد هویتی است که نشان از مفاهیم و مقولاتی دارد که اهم آن به قرار زیر هستند:
- هویت محیط مصنوع بیانگر ارزش های حاکم بر جامعه است.

- هویت محیط مصنوع بیانگر ارزش هایی است که جامعه به متصل بودن به آن تمایل داشته و خویش را در صورت واجد بودن و رعایت آن ارزش ها، در مسیر کمال و ترقی می پندارد.
- ویژگی های محیط مصنوع بیانگر هویتی است که جامعه تمایل دارد با آن هویت شناخته شود.
- ویژگی های محیط مصنوع بیانگر هویت جامعه ای است که آن محیط را پدید آورده و در آن زیست می کند.
- ویژگی های محیط مصنوع بیانگر هویتی است که عده ای (طراحان، برنامه ریزان و مدیران شهر) می خواهند برای جامعه به وجود آورند. بر این اساس بهترین حالت را می توان وقتی دانست که آثار انسان و از جمله شهر، بر پایه اصولی شکل گرفته که آن اصول منبعث از فرهنگ جامعه بوده و هویت حاصله مبین اصول و مبانی فرهنگی مأخوذ از جهان بینی جامعه باشد [9].

المان شهری^{۱۴}

المان یا یادمان شهری ترکیبی است پیکره وار که در ساخت آن از ویژگی های درونی احجام و اشکال هندسی به صورت یک کلیت یکپارچه و تلفیقی از موارد فوق استفاده می شود. قبل از هر چیز این ترکیب دارای یک نظام هندسی و تعادلی پایدار و زیباست به گونه ای که پس از خودنمایی در سطح شهر افراد را به گونه ای جذب خود می نماید و ذهنشان را درگیر خود می کند که تا مدت ها در آن منطقه از شهر به صورت سمبلیک مشخصه ای برای شناخت شهر در منطقه مورد نظر می گردد و در واقع جز شاخصه های شهری می گردد، به گونه ای که ذهن با برده شدن نام منطقه مذکور ناخودآگاه به دنبال شاخصه ها و ویژگی های خاص آن منطقه المان مورد نظر را در خود تصویرسازی خواهد کرد. المان های شهری از اجزای مهم مبلمان شهری هستند که می توانند در ارتقا حس مکان و هویت شهروندان تأثیر بسزایی داشته باشند. از جمله اهداف طراحی المان های شهری می توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ۱) هویت بخشی: بین المان ها و هویت شهری رابطه ای دو سویه برقرار است؛ به گونه ای که هویت یک شهر یا منطقه بر شکل گیری المان های خاص آن تأثیر گذار است و از سوی دیگر طراحی المان در ایجاد هویت برای منطقه می تواند نقش به سزایی داشته باشد.
- ۲) زیباسازی فضای شهری: طراحی مناسب المان ها و حذف آلودگی های بصری می تواند تأثیر بسزایی در زیباسازی فضای شهری و تقویت روحیه شهروندان داشته باشد؛ ضمن این که قرارگیری المان های جذاب در فضاهای شهری باعث ایجاد تنوع و غنی شدن آنها می شود [10].

ویژگی های خاص المان های شهری

المان های شهری باید به گونه ای طراحی شوند که هم در عملکرد های متفاوت وهم در زیبایی و جهات دیگر موثر واقع شوند. المان ها می توانند مانند هر عنصر شهری درسیما و منظر شهری نقش مهمی داشته باشند و با مخاطب خود ارتباط برقرار کنند، که این امر نیازمند به برنامه ریزی و طراحی دقیق، داشتن اطلاعات کامل از ویژگی های اقلیم، فرهنگی، آداب و رسوم و... منطقه می باشد، که در صورت رعایت این نکات، المان های شهری می توانند در عملکرد خود موفق شوند و هویت شهری را به نحو احسن به اجرا گذارند. باتوجه به اینکه یکی از اهداف المان ها اطلاع رسانی و معرفی منطقه از نظر فرهنگی، اجتماعی، جغرافیایی و خصوصیات مردم منطقه است، همه ی این موارد می توانند در برقراری ارتباط موثرتر با مردم و مخاطبین کمک کنند. اما علاوه بر، برقراری ارتباط با مخاطبین می تواند نقش مهمی در زیبایی سیمای شهر داشته باشد، زیرا قسمت های مختلف شهر را تحت تأثیر قرار داده و از یکنواختی خارج می کند و به نوعی با ایجاد این نشانه ها در قسمت های مختلف شهر، هر قسمت ویژگی منحصر به فرد می یابد و به غنای شهر کمک خواهد کرد. [11] لازم به ذکر است که در طراحی این نشانه های شهری باید به جزئیات نیز، توجه شود از قبیل رنگ، سبک نورپردازی، جنس مصالح به کاررفته، جانمایی، مقیاس، دوام، ایمنی کافی، انعطاف پذیری، داشتن صرفه

اقتصادی و...، برای مثال مکان قرارگیری و جانمایی نمادها از اهمیت ویژه ای برخوردار است، که یکی از عوامل مهم تعیین میزان تاثیر گذاری در ذهن افراد می باشد به عنوان نمونه ایستگاه های اتوبوس که یکی از مهم ترین اجزای المان های شهری می باشند باید به گونه ای طراحی شوند که شهروندان را به استفاده از حمل و نقل عمومی راغب نماید و دید مناسبی به اطراف داشته باشد. المان ها با هر سبک و سیاقی که دارند می توانند حاوی اطلاعات زیادی باشند که با این ویژگی تاثیر زیادی بر حیات کالبد معماری و شهرسازی شهرها می گذارند و به نوعی شناسنامه و زبان ناطق هر شهر می شوند که می توانند موجب متمایز شدن شهرها از یکدیگر شوند [12].

گونه شناسی المان های شهری

۱_ المان نمایشی: المانهای نمایشی همانگونه که از اسمشان بر می آید صرفاً جنبه ی نمایشی-هنری و زیبایی دارند مفهوم خاصی را اصولاً بیان نمیکنند. اینگونه المانها در سطح شهر ها کمتر دیده میشوند و مخاطب آنها کسانی هستند که بیشتر درگیر مسائل هنری باشند.

۲_ المان بیانی: همانطور که از نام آن پیداست هدف طراح از خلق این اثر بیان مطلب خاصی میباشد، بعبارت دیگر قطعا مفهومی در پس آن نهفته است. حال این میتواند ثبت واقعه ای خاص در مکان مورد نظر باشد و یا مفهومی خاص را با توجه به نام و ویژگی های منطقه به بیننده القا کند. ویژگی بسیار مهم المانهای بیانی در عام گرایی آنهاست یعنی می بایست بتوانند با مخاطب عام و عادی که از هنر سررشته ی چندانی ندارد نیز ارتباط برقرار کند. مکان قرار گیری این نوع المانها طبعاً برای برقراری ارتباط بیشتر با مخاطبین وسیع تر در جامعه در سطح شهر و بویژه در میدانی شهری است. معمولاً المان مورد نظر با نام میدان یا منطقه شهری مورد نظر ارتباط دارد.

۳_ المان عملکردی: این نوع از المان تا حدی از تعاریف فوق فاصله می گیرد چرا که عنصر عملکرد محدودیت هایی به لحاظ قوانین فرمی ایجاد خواهد نمود. ویژگی دیگر اینگونه المانها در تعداد بیشتر آنها در سطح شهر ها میباشد؛ به طور مثال ایستگاههای اتوبوس-مترو-کیوسکهای تلفن-دکه های روزنامه فروشی و ... در صورتیکه یک سازه ی عملکردی دارای زیبایی و نظام هنری باشد میتواند برای هر شهر به سبک خود طراحی شده و با سایر شهرها متفاوت باشد. هر گونه برج یا آسمان خراش منحصر به فرد چه به لحاظ معماری و چه به لحاظ ارتفاع و یا اهمیت منطقه ای میتواند نقش یک المان عملکردی را ایفا کند به شرطی که در منطقه ی مورد نظر تک و شاخص باشد مانند برج مخابراتی میلاد در تهران [13].

اهمیت و نقش المان ها در فضای شهری

اهمیت نشانه و نمادها در ارتباطات به اندازه ایی است که گاه ماهیت ارتباط، خود تحت تاثیر نمادها قرار می گیرد. و بدون آن، انسان ها هویت ملی نخواهند داشت. نشان یا نمادهای یک سرزمین مظهر هویت ساکنان آن و بوجود آورنده ی پیوند نسل ها در قرون متمادی است. نمادها و نشان ها در جوامع مختلف ارزش و اهمیت متفاوتی دارند و هنگامی ارزش ملی می یابند، که مورد قبول اکثریت اعضای جامعه باشند. نشان های معماری، همانند هر نماد دیگر، دارای دو عملکرد ((بیان معنا)) و ((ایجاد حس هویت)) هستند هر نشانه ای به بیان معنایی فراتر از خود می پردازد و حس تعلق به جامعه ای خاص را اظهار می دارد. این نشانه ها به دلیل آنکه در زندگی روزمره تکرار می شوند، حس خاصی از معنا و هویت را نیز تقویت می کنند. نمادها والگوهای شهری همیشه به عنوان علائم و نشانه های القا کننده ی تفکر و بینش حاکم در شهرها مورد توجه بوده اند این علائم، چنانچه بادقت و اندیشه متعالی انتخاب شوند، می توانند به عنوان رسانه عمومی بسیار مهمی ایفای نقش کنند و به آگاهی بخشی ساکنان شهر و حتی بازدیدکنندگان آن پردازند. نقش نمادها و نشان هادر بناها و فضاهای شهر چنان مهم و تعیین کننده است که از جنبه های گوناگون بر ساکنان تأثیری گذارد و رفتار آن ها را شکل می دهد. درواقع، نمادها حوزه های خاصی را سازمان می دهند و همانند حائل هایی مانع ظهور و نمود برخی از اعمال شهروندان می شوند و یا به ارائه اعمال مثبت یاری می رسانند. نشان ها و علائم وسایلی مؤثر و نسبتاً ارزان برای غنی سازی هویت، خوانایی و تطابق با محیط اند [14].

تأثیر المان در هویت بخشی ایرانی-اسلامی

انسان های امروزی در شهر و فضای شهری بدنبال عناصر و پدیده هایی آشنا، به بیانی دیگر عناصری که هویت خود را در آن جستجو کنند، هستند تا خستگی های بصری و روحیشان که بعلت آشفته گی های بصری موجود در شهر ایجاد شده برطرف سازند. این جاست که طراحی المان های شهری راهگشاست. عناصری که با بهره گیری از شاخص های ایرانی-اسلامی در ترویج این فرهنگ می تواند کارگشا باشد. در بازشناسی هویت ایرانی-اسلامی همواره با دو رویکرد، ملی گرایی و دین گرایی مواجه ایم. پاسخ اسلام به مسئله ی هویت این بود که این دین با ویژگی های اصیل و ذاتی و جهان شمول خویش باعث اصالت دادن به هویت فراگیر و مشترک معنوی انسان ها گشته و آن را عمومی ساخته است. پس با ارتقای جایگاه هنر شهری در مناسبات و تعاملات فرهنگی، جامعه شناختی و مباحث شهرنشینی و مردم شناسی و بکارگیری ویژگی های اصیل و ذاتی اسلام در قالب المان های شهری و قرارگیری آن بدنه شهر، در برخورد با شهروندان که مخاطبان اصلی این آثار هستند می توان، موجب بازگرداندن هویت ایرانی-اسلامی و به القای نموده ها و شاخص های آن بطور غیرمستقیم پرداخت [15]. این در حالی است که طراحی و ساخت فضاهایی عاطفه انگیز و حاوی عناصر، آرایه های هنری برجسته و البته متناسب با فضای محیطی خود می تواند در تسکین بی نظمی و اغتشاش بصری فضاهای شهری، مفید باشد. بی شک مهم ترین کارکرد یک اثر هنر شهری، زیباسازی فضای محیطی آن است به گونه ای که از لحاظ فرم و شیوه اجرا و البته ابعاد اثر، متناسب با فضا باشد و از لحاظ بصری، خود بر اغتشاش فضا نیفزاید. یکی از نکات مهم در طراحی المان ها پیامی است که از طریق المان ها منتقل می شود همانطور که می تواند بیانگر پیامی به منظور حفظ ارزش ها باشد، با طراحی نادرست می تواند زمینه ساز ترویج تفکر غرب که متناقض با دیدگاه ماست باشد. پس می توان با شناخت الگوهای ایرانی-اسلامی و بکارگیری آن در المان ها نه بطور مستقیم بلکه بطوری که کمی تفکر را در فرد ایجاد کنیم، عبارتی موجب نهادینه شدن فرهنگ ایرانی-اسلامی در ذهن فرد شویم و از این طریق به هویت بخشی شهرها کمک کنیم. در شهرهای کهن ایران به زیباترین وجه نمونه ی این هویت را می توان مشاهده نمود، این شهرها بیانگر هویت کالبدی و بصری برای درک کارکردهای شان بوده اند؛ در حالی که امروزه منظر شهرها فاقد چنین هویتی اند. به عبارت دیگر، سیمای بیرونی عناصر شهرهای معاصر انعکاس دهنده هویت ساکنان آنها نیست و چنین به نظرمی رسد که هیچ تلاش آگاهانه و هدفداری به منظور هویت بخشی به آنها صورت نپذیرفته است. در این شهرها، بسیاری از نشان ها و نمادهای هویت فرهنگی یا به کلی از بین رفته اند و یا به شدت کمرنگ شده اند و اینجاست که با یک حرکت کوچک ولی فکر شده- طراحی المان های شهری با رویکردی ایرانی-اسلامی می توان به این مسائل پایان داد و یا تا حدی موجب بهبود شرایط کنونی گشت [15].

اهمیت تأثیر پذیری المان های شهری از هویت ایرانی-اسلامی

همانطور که پیشتر گفته شده است شهر ایرانی-اسلامی به لحاظ کالبدی، سیاسی، اجتماعی و... دارای ویژه گی های منحصر به فردی است که در منابع مختلف به شدت مورد توجه مسشرقین و محققین قرار گرفته است. در یک جامعه یا شهر آرمانی در جهان دینی، اصل توحید و خدا محوری، رکن اساسی است و خصلت اصلی شهر دینی، ایمان به اصل مذکور و پذیرش الزامات ناشی از آن است. تحقق شهر و جامعه مطلوب دینی منوط به پیدایش عالم و مردمانی که به آیین تعالم تعلق دارند می باشد. در شهر آرمانی دینی فرد، جهان و طبیعت را مظهر اراده و قدرت الهی می داند و پایان زندگی را مرگ و نیستی مطلق فرض نمی کند، و خویشتن را در تضاد و مخالف هستی نمی بیند. در این شهر روابط افراد با یکدیگر و حکومت شوندگان باید معطوف به اصل مذکور باشد و این امر باید اولویت اول و هدف اساسی هر نظم و نظام اجتماعی و سیاسی باشد زیرا اصل زندگی اجتماعی برای رشد و بالندگی، سعادت و تکامل چنین موجودی است [16]. نکته قابل توجه آن است که حفظ حرمت انسان ها در یک شهر ایرانی-اسلامی، متوجه همه انسان ها و هیچ فردی از این دایره خارج و مستثنی نیست. در این جامعه محور تمامی فعالیت ها می بایست معطوف به اصل عدالت و حق و عدم تجاوز و تعدی به حقوق دیگران باشد و این اصل می بایست در تمامی عرصه ها رعایت شود. به طور خلاصه در جامعه اسلامی دادگری و عدالت محور تمامی فعالیت هاست و در این اصل در آن بهتر است. عدالت و دادگری به منزله یکی از خصوصیات مومن و جامعه اسلامی و همچنین به منزله یکی از اهداف چنین جامعه ای، راه گشای روابط زندگی فرد و جامعه است. از سوی دیگر جامعه انسان با طبیعت همساز، یکسان و انیس است. شهر ایرانی-اسلامی به نحوی بنا و پی

ریزی نمی شود که نشانگر مخالفت انسان، طبیعت باشد. روحیه اسلامی و نگرش فرد دیندار به جهان پیرامون خود به آن ها اجازه نمی دهد که با طبیعت دشمنی ورزند، در آن دخل و تصرف بی اندازه کنند و بر آن صدمه و زیان بی حد و حصر رسانند. از مطالب فوق می توان چنین نتیجه گرفت که آرمان شهر ایرانی- اسلامی مجموعه ای عظیم و کامل از صفات حق تعالی در بعد اجتماعی، سیاسی و... می باشد. المان های شهری به عنوان بخشی از یک شهر ایرانی- اسلامی که نمایانگر ویژگی ها و اصول حاکم در آن هستند نیز از این قاعده مستثنی نبوده و می بایست شاخصه های هویت یک شهر ایرانی- اسلامی را در خود جای دهند [17].

المان ها و هویت شهر ایرانی - اسلامی

از آن جایی که «هویت»، مجموعه ای از صفات و مشخصاتی است که باعث «تشخص» یک فرد یا اجتماع از افراد و جوامع دیگر می گردد؛ شهر نیز به تبعیت از این معیار، شخصیت یافته و مستقل می گردد. هویت در شهر به واسطه ی ایجاد و تداعی «خاطرات عمومی» در شهروندان، تعلق خاطر و وابستگی را نزد آنان فراهم کرده و شهروندی را به سوی «شهروند شدن» که گستره ای فعال تر از ساکن شدن صرف دارد، هدایت می کند. پس هر چند که هویت شهر خود معلول فرهنگ شهروندان آن است؛ لیکن فرآیند شهروند سازی را تحت تأثیر قرار داده و می تواند باعث تدوین معیارهای مرتبط با مشارکت و قضاوت نزد ناظران و ساکنان گردد. به طور کلی چهار بعد اساسی که نمایانگر هویت کلی شهر می باشد را می توان به شرح زیر طبقه بندی کرد: [18]

بعد اول: هویت محیطی- اکولوژیک. محیط طبیعی به عنوان بستر فعالیت های انسانی، دارای یک ساختار سیستمی است. این نظام دارای اجزا و عناصری است که با ویژگی های کمی و کیفی خود ساختار محیطی را شکل می دهد. از طرفی کل این ساختار به صورت منسجم با ویژگی های خود زمینه ها و بسترهای مختلفی را برای فعالیت انسان ایجاد می کند.

بعد دوم: هویت اجتماعی - فرهنگی. تنها موجودی که دغدغه هویت دارد، انسان است. انسان همواره به دنبال ابزاری می گردد که خود را به واسطه ی آن تبیین کند. بدیهی است که تبیین خویشتن به صورت متنوع از سایرین امکان پذیر نیست؛ چرا که هویت شخص بخشی از حوزه ی حیات اجتماعی است فرد، خویش را با آن معرفی می نماید. از سوی دیگر فرد با حضور و رشد یافتن در جمع علاوه بر آن که دارای هویت شخصی؛ یعنی نام، منزلت اجتماعی و روابط شخصی با دیگران می گردد، با گرفتن عناصر مشترکی که فرهنگ خوانده می شود، هویت جمعی نیز می یابد. بر این اساس توجه به هویت اجتماعی - فرهنگی در راستای شناخت هویت واقعی جامعه ی شهری گریز ناپذیر است.

بعد سوم: هویت اقتصادی. یکی از ابعاد هویت بخش در فضاهای شهری فعالیت هایی است که توسط ساکنان آن از گذشته تا به امروز پایه های اقتصاد شهری را تشکیل می دهد و جایگاه شهر را در سلسله مراتب سازمان فضایی شبکه ی سکونتگاهی و ارتباط آن را با سایر شهرها تعریف می کند. چه بسیارند برخی از فعالیت ها که به طور ویژه در مکان ها و یا شهرهای خاصی وجود دارند و به یک مکان ویژه جغرافیایی اختصاص دارند و به عنوان یکی از ارکان هویتی شهر یا مکان خود نمایی می کنند. بنابراین توجه به این بعد از هویت شهری لازم و ضروری است [17].

بعد چهارم: هویت کالبدی فضایی. هویت کالبدی آن عامل غالب هویتی است که بافت و ساختار و شکل شهر و ساخت اصلی به آن هویت وابسته است. کوئین لینچ عناصر هویت بخش را عمدتاً در وجوه کالبدی می بیند. از دیدگاه وی پنج عنصر هویت بخش شهر عبارتند از: راه ها و شبکه ارتباطی، لبه ها، محله ها، گره ها و نشانه ها. بنابراین، بافت کالبدی و ساختار مکانی فضایی شهرها یکی از مهم ترین ابعاد هویتی شهرها را شکل می دهد زیرا شکل گیری بافت کالبدی شهرها متأثر از اندیشه ها، عقاید، باورها، فعالیت ها و سطح فرهنگ جامعه می باشد. از این رو شناخت این بخش از شهرها می تواند به شناخت بیش تر سایر ابعاد اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نیز بینجامد. واقعیت آن است که بافت کالبدی امکان بازشناسی هویت شهری را به صورت بصری فراهم می کند و به همین دلیل از میان سایر ابعاد هویتی اهمیت بیش تری دارد. فضاهای شهری به سبب خصوصیات کالبدی نمادین خود و واقعه و حادثه های جاری در آن، هویت بخش بوده و موجد خاطرات فردی و جمعی در اذهان افراد و جامعه می گردند. امری که سبب حس تعلق به مکان و زمان و هویت یافتن فرد در شهر می گردد. بنابراین فضا باید بتواند از طریق علائم و نشانه هایش ارزش های فرهنگی را انتقال دهد. می توان نتیجه گرفت هویت و عناصر هویتی در ابعاد مختلف زندگی انسان موجب

آرامش و ایجاد اعتماد به نفس و میل به داشتن تلاشی مستمر همراه با احساس امنیت می گردد و تلاش در جهت ایجاد عناصر و المان های مادی و نمادهای معنوی در شهر به منظور هویت بخشی در عرصه های مختلف زندگی اجتماعی می تواند در دست یابی به چنین اهدافی مؤثر باشد [18].

نمود هویت ایرانی - اسلامی در برخی از المان های شهری الف: برج آزادی تهران

برج آزادی در ایران، نمونه ایی از نماد و نشانه های شهری است که معماری شاخص آن، تلفیق طاق معماری پیش از اسلام و بعد از اسلام و تبدیل آن به نمادی زیبا به لحاظ معماری است. در طرح این المان سبک های معماری دوران های مختلف تاریخ ایران با دیدگاه های کاملاً مدرن تلفیق شده است. به عنوان نمونه طاق به صورت اسلامی و طاق تحتانی شبیه طاق کسری طراحی شده است. فضای سبز میدان با پوشش گیاهی به صورت چهار تپه سبز، بر اساس اصول باغ سازی ایرانی طراحی شده است. هندسه سایت پلان بر اساس هندسه و فرم نقش زیر گنبد شیخ لطف الله و فرم آب نماهای داخل سایت با استعاره از آب نماهای باغ فین کاشان طراحی شده است. سطح میدان در ضلع شرقی توسط گذرگاهی زیر زمینی به معابر اطراف راه می یابد. طرح این فضا با الهام از معماری سنتی و با توجه به هندسه و طاق باز های ایرانی صورت گرفته است. از دیگر وجوه توجه امانت به کاربرد نماد و نشانه را می توان در تعداد خطوط تقسیم کننده نمای بنا و همچنین تعداد تقسیمات فضای سبز در سایت پلان در هر متر مربع محوطه یافت که به ترتیب از اعداد ۷ و ۵ می باشند که اعداد مقدس در دین اسلام هستند [20].



تصویر (۱): المان میدان آزادی

ب: حافظیه شیراز

آرامگاه حافظ در مقابل یکی از شلوغ ترین و پر رفت و آمد ترین خیابان های شیراز واقع شده است. این خیابان نماد اسارت در جهان صنعتی و مدن است، چنانچه نمی توان از طریق آن، آرامگاه حافظ را که نماد افکار و اندیشه های عرفانی اوست، نظاره گر بود. بخش جنوبی آرامگاه نماد دنیای مادی و ظواهر فریبنده آن است. با نزدیکتر شدن به آرامگاه، انسان از بند هواهای نفسانی آزاد شده و بالاتر رفتن از ایوان به منزله معراج عرفانی و سیر و سلوک در دنیای سلوک است. به تدریج آرامگاه که نماد خورشید است، نمایان می شود و پایین آمدن از ایوان، نماد تعظیم در برابر خورشید درخشان است. ایوان از دو ردیف پلکان تشکیل شده است که هر ردیف شامل ۹ پله است. در ادبیات غنی فارسی ۹ عدد آسمان ها بوده و مقدس شمرده می شود. بخش شمالی آرامگاه نماد دنیای ملکوت است، چراکه در این بخش شامل ۸ درب ورودی و خروجی است. همچنین آرامگاه نیز از ۸ ستون سنگی تشکیل یافته است که عدد ۸ نماد صده هفتم صده ایی که حافظ در آن می زیسته است و هشت درب بهشت است. نمای بیرون گنبد آرامگاه، نماد آسمان بوده و به شکل کلاه درویشان ترکی است. از درون با رنگ های مختلف عرفانی آراسته شده است، آبی فیروزه ایی نماد بهشت، سرخ ارغوانی نماد شراب ازلی، سیاه و سفید نماد شب و روز و قهوه ایی سوخته نماد خاک است [20].



تصویر(۲):المان حافظیه شیراز

ج:المان حجمی رویای کودک تبریز

این المان بر گیرنده مفاهیمی چون رفاه، نشاط، صلح و نیکی از مهمترین مفاهیم دین اسلام می باشد برای کودکان ۵ قاره جهان در قالب گفت و گو به عنوان نخستین ابزار ارتباطی و کلامی است. این المان اتحاد کودکان ۵ قاره جهان و نیز شور و نشاط آنان را به نمایش گذاشته است. به عبارتی دیگر این المان آمل و آرزوی کودکی را نشان می دهد که به آینده خیره شده و دنیایی امن و سرشار از صلح و آرامش را آرزو می کند [20].



تصویر(۳):المان حجمی رویای کودک تبریز

د:المان انقلاب میدان ۲۲ بهمن سبزوار

در این المان پنج عدد شمسه که حرکت را به سوی بالا شروع می کنند که به نیت پنج تن و از پنج قاره جهان حرکت های جامعه بشری را نشان می دهد که در نهایت گستردگی جهان را در بر گرفته و به یک پارچگی و وحدت می رسند و به سوی یکتاپرستی متحد می شوند و پنج عدد محراب که در بالا قرار گرفته اند نشان از اسلامی بودن این وحدت ها و حرکت ها را می رساند و پنج حلقه که در بالای این شمسه ها می باشند، نهان اتحاد را به اوج می رساند که توسل به پنج تن آل عبا را نشان می دهد و در بالای این المان کلمه «لا» که از هر طرف ببیننده نظاره گر باشد «لا» را نظاره کند و نشان از توحید و یکتا پرستی تمام بشریت است [20].



تصویر (۳): المان انقلاب میدان ۲۲ بهمن سبزوار

چگونگی تحقق هویت اسلامی در طراحی المان های شهری

طبق آیات و روایات متعدد، فطرت انسان امری بالقوه و استعدادی وجودی است که بین تمام انسان ها مشترک است: فطرت الله التي فطر الناس عليها له تبدیل الخلق الله (سوره روم، آیه ۳۰). تا هنگامی که انسان به صورت ارادی و انتخابی استعدادهای وجودی و فطری خود را به خودآگاهی نرساند، ایده ها و ایده آل های او از فطرت الهی وی بهره مند نخواهد شد اما علاوه بر این، برای ارائه اثری هویت مند از منظر اسلامی لازم است تا معمار در مرحله بعد، از نظر روش و شیوه عملی نیز روشی مبتنی بر حکمت عملی اسلام (شریعت) را اعمال نماید و از احکام پنجگانه (واجب و حرام، مستحب و مکروه، مباح) تبعیت نماید تا در مسیر عدالت قدم گذارد. در مرحله سوم، هنرمند و معمار باید استعداد و تجربه لازم را در موضوع هنر مورد نظر داشته باشد تا اجتهاد هنری او فرایندی از ایده های متعالی (حقایق وجودی) به مسیر اجتهاد هنری (عدالت وجودی) یعنی قرار دادن هر چیز در جای مناسب خود (از طریق تجربه و ممارست و استعداد لازم) و نهایتاً خلق اثر هنری را متحقق کند. چگونگی این فرایند و تبیین مراحل مختلف آن که بر پایه اصل تفکیک گزاره های نظری، عملی و مصادیق استدر نمودار شماره (۲) آورده شده است [19].



نمودار شماره (۲): فرایند خلق اثر هویت مند (تعالی بخش) از منظر اسلامی

نکته مهم در فرایند ارائه شده این است که در هر یک از مراحل سه گانه این نمودار، طیفی از درجات مختلف بر پایه میزان دستیابی به اهداف هر مرحله میتوان تصور نمود که نتیجه آن نسبی بودن میزان تحقق خروجی این نمودار (به عنوان هویت اسلامی در آثار معماری) است. طبق نص صریح قرآن کریم، وجود درجات مختلف در شؤون گوناگون حیات انسانی امری مبرهن است لذا معماران متعهد و مسلمان نیز به تناسب درجه ایمان و فهم خود از حقایق عالم وجود، برداشتی متفاوت داشته و آثار هر یک از آنان انعکاسی از همان درجه فهم و ادراکی است که از مراتب وجود داشته اند. در نتیجه، معماران مسلمان و آثار هر رابطه ای نسبی با محتوای دین قرار دارد و هیچ کدام را نمی توان در رابطه ای مطلق و همانی با اسلام دانست؛ مگر آن که اولاً ثابت شود که فهم معمار از اسلام، فهمی مطلق و کامل بوده خلاقیت و توان عملی او نیز در حدی از کمال بوده است که امکان خلق اثری کاملاً متناسب و منطبق با فهم او را برایش فراهم بوده باشد. مورد نخست در واقع همان کمال مطلق در شناخت و فهم دین است که فقط مختص معصومین (ع) است و مورد دوم همان کمال در عمل و اجرا است که آن هم در ذات خود نسبی و اعتباری است.

است [19]. ضمن آن که می توان متذکر شد که خداوند استعداد هر کاری را به هر کس اعطا ننموده است؛ برخی از افراد معمار خوبی هستند و برخی دیگر در شعر استعداد بیشتری دارند و... بنابراین حاصل این مرحله نیز امری نسبی و اعتباری خواهد بود. بدیهی است که طبق آموزه های دینی، تحقق کمال مطلق در هر یک از مراحل ذکر شده در این نمودار در هیچ کس به غیر از معصومین (ع) ممکن نیست، همچنان که امیر مؤمنان (ع) نیز در نامه ۴۵ نهج الباغه به این حقیقت اشاره می فرمایند. لذا اثر و کالبد حاصل از خلاقیت هیچ معمار مسلمانی را نمی توان به طور مطلق و تمام و کمال منطبق بر محتوای دین دانست. پس نظریه ای که برخی از آثار معماری تمدن اسلامی مانند گنبد مسجد امام اصفهان را تجلی کالبدی اسلام می داند و این آثار را به طور تمام و کمال آثاری اسامی می پندارد دیدگاهی افراطی است و نمی توان هیچ یک از این آثار را به طور مطلق، ترجمه یا تجلی کالبدی اسلام دانست. نظریه دوم که آن را دیدگاهی تفریطی می دانیم، همچنان که اشاره گردید بر این اساس بنیان گردیده است که هیچ ارتباطی بین معماری تمدن اسلامی یا معماری مسلمانان با اسلام و هویت اسلامی وجود ندارد و این دو در هدف و ابزار کاملاً متفاوتند. طبق توضیح ذکر شده در خصوص نسبی بودن فهم مسلمانان از اسلام و بیان درجات مختلف ایمان و فهم می توان اذعان نمود که بر اساس تعالیم اسلامی، نفی مطلق ارتباط بین آثار مسلمانان و شریعت از اساس خدشه پذیر است [19]. چرا که در نص صریح قرآن کریم امکان دستیابی به بطن و جوهره اسلام نفی نشده و بلکه بیان گردیده است که هر کس به نسبت میزان تطهیر قلبی و تزکیه روحی خود می تواند به عمق و حقیقت اسلام دست یابد: لا یمسه الا المطهرون (سوره واقعه، آیه ۷۹). لذا اصل ارتباط و تناظر بین اعمال و آثار مسلمانان با اسلام، اصلی پذیرفته شده در قرآن کریم است، لیکن میزان قوت و ضعف این ارتباط، متناسب با میزان تطهیر قلبی انسان و دارای درجات مختلف است. بر این اساس، انسان در هر مرحله ای از تکامل معنوی و ایمانی که باشد، آثار او نیز متناسب با همان مرحله است و این یعنی اعتقاد به وجود رابطه ای نسبی بین آثار مسلمانان با هویت اسامی. پس چنان چه معمار در خلق اثر خود از مراتب پایین تر حیات و نفوس نازله (نفس جمادی، گیاهی یا حیوانی) بهره جوید آن اثر نیز اثری است در درجات تحقق محتوای همان نفوس. اما «اگر معماران و هنرمندان از خویشتن خویش دست برداشته، مطیع درگاه باری تعالی شوند، عصاره وحدت ایزدی در کالبد ساخته هایشان نفوذ خواهد کرد» و کالبد و صورت آثارش نیز با مراتب متعالی حیات (نفوس عقانی و روحانی) متناسب خواهد بود. امیر مؤمنان علی (ع) در پاسخ به پرسش کمیل، به درجات تحقق حیات انسانی و در نتیجه نسبی بودن رابطه بین آثار ناشی از این نفوس با حقیقت مطلق اشاره فرموده است. بر اساس این مراتب چهارگانه، مراتب تجلی محتوا در کالبد و در نتیجه درجات زیبایی آثار نیز مشخص میگردد که می توان این مراتب تجلی و در نتیجه درجات زیبایی را به این ترتیب دسته بندی نمود: «زیبایی محسوس، زیبایی نامحسوس طبیعی، زیبایی معقول ارزشی، زیبایی یا جمال مطلق». هرچه زیبایی اثر حائز کیفی بیشتری باشد، به معنی تجلی مطلوبتر محتوای فطری و روح الهی انسان (که غیر قابل تبدیل و تحویل است) در کالبد اثر است [19].

پیشنهادهات

پیشنهادهات طراحی المان های آینده با تکیه بر مفاهیمی همچون شهر و هویت ایرانی- اسلامی، ویژگی های المان های شهری و بررسی موضوع پژوهش راهکارهای بسیاری را می توان ذکر نمود نکات ذیل به عنوان راهکارهای مادر در طراحی المان های درخور شهرهای کشور و فرهنگ آنها ارائه می گردد، در پایان توجه مدیران شهری را به نکات زیر جلب می نمایم:

- به کار بردن مبلمان شهری سازگار با مؤلفه های هویتی و فرهنگی
- از آنجا که المان های شهری در ارتباط مستقیم با شهروندان هستند، لذا باید متناسب با روحیات جمعی مردم باشند و با واقعیت های اجتماعی آنان ارتباط برقرارکنند تا سبب انتقال هویت شهری درآذهان مردم شوند.
- ایجاد و تقویت اصول و قوانینی توسط شهرداری و سازمان زیبا سازی که هویت و شخصیت از دست رفته شهرهای ما را بازگرداند.
- شکل و فرم فیزیکی و شاخصه های معماری، از عوامل مهم چشم گیری آن المان محسوب می گردند، تضاد و تسلط مکانی که از معیارهای اصلی یک المان هستند در درجه اول در گرو زیبایی و منحصر به فردی آن خواهند بود.

- مقبولیت المان و نماد شهری مستلزم توجه به سه عامل محیط، معماری و مخاطب است؛ توجه به شاخصه های موجود در نصب اثر، قابلیت های متنوع المان را آشکار می سازد و موجب معنا بخشی تقویت هویت مکان می شود.
- توجه به مکان قرار گیری یک المان های شهری بسته به ویژگی های طبیعی، هندسی و اجتماعی هر شهر و انتخاب بهترین مکان برای نصب.
- بهتر است المان های شهری با استفاده از مصالح مناسب و رنگ، طراحی و برجسته شوند تا بیشتر در اذهان مردم باقی بمانند و مردم بتوانند ارتباط مؤثرتری با آن ها برقرار کنند. این اقدامات می تواند در جهت زیباشناسی المان ها صورت گیرد.
- با توجه به مهم بودن المان های شهری در زیبایی شناسی و هویت بخشی شهرها، بایستی در سایر میداین و نقاط شاخص شهر که دارای اصالت و هویت خاصی هستند (خصوصاً در بافت تاریخی شهر)، المان هایی متناسب با محل و فرهنگ خاص آن طراحی شوند.
- با توجه به تأثیرگذاری مؤلفه «تاریخی بودن» بر هویت کالبدی شهر، در میداین مهم شهری که در بافت تاریخی شهر هستند، بایستی المان هایی طراحی شود که متناسب با عناصر مهم و تاریخی مجاور آن و همچنین متناسب با فرهنگ بومی شهر باشند تا موجب تقویت اصالت و تداعی خاطرات شهروندان اصیل شهر در محیط پیرامونی المان شوند.
- مهمترین المان های اثرگذار بر هویت کالبدی، با توجه به طراحی، فرم و معماری خاصی که دارند باید مورد توجه بیشتری قرار گیرند و اقدامات حفاظتی و حمایتی از آن ها صورت گیرد. در این المان ها می توان با تقویت نورپردازی شبانه، موجب فراهم شدن آرامش، معنویت و سرزندگی محیط پیرامونی شد.
- به منظور ارتقای هویت در المان های شهری، بایستی معیارهای تاریخی، فرهنگی و اجتماعی مورد توجه قرار گیرد و اصل «یادمانی بودن و اسطوره ای بودن» المان ها، نیز رعایت گردد.

جمع بندی و نتیجه گیری

یکی از راه های القای هویت کالبدی شهر به شهروندان بهره گیری از عناصر زیبای شهری چون المان ها و نمادهای شهری است. نمادهای شهری بازتاب عناصر هویتی شهروندان هستند و ریشه در ویژگی های طبیعی، تاریخی، اجتماعی و فرهنگی شهروندان هر شهر دارند. المان شهری برای ایجاد پیوند با هویت شهروندان بایستی بر مبنای زیبایی، آداب و رسوم، عرف ها، ارزش ها، هنجارها و... شهروندان طراحی شوند و بتوانند حس هم رنگی و باهم عجبین شدن را القا کنند. بنابراین وجود مؤلفه های زیبایی شناسی در المان های شهری در ایجاد افزایش ارق شهری، حس تعلق و پایداری شهری بسیار مؤثر است. با کم رنگ شدن نشانه های بومی در فضاهای فعلی شهرهای کشور نوعی تشویش ذهنی و غربانگی شهروندان در محیط زندگی شهری به وجود آمده است که کاهش و به حداقل رساندن این بی هویتی ها نیازمند اقدامات گوناگون مانند انتخاب و معرفی نمادها و نشانه هایی برگرفته از پیشینه تاریخی و ویژگی های منحصر به فرد آن شهر می باشد. نمادهای مطلوب علاوه بر بومی کردن فضای شهرها، تقویت احساس تعلق خاطر به محل سکونت و ترغیب شهروندان به مشارکت در اداره امور شهرشان، کمک شایانی هم به شناساندن در سطح ملی و بین المللی نموده و به توسعه شهر کمک می کند با توجه به مطالب ارائه شده می توان نقش المان های شهری را در حوزه معماری و شهرسازی که دارای ویژگی همزمان پایداری و همچنین هویت ایرانی-اسلامی باشد را اینگونه بیان نمود که: اصول طراحی المان های شهری پایدار در شهر ایرانی-اسلامی عمدتاً به ارزش ها و اعتقادهای فرهنگی اسلام وابسته است به همین دلیل واقعیت هویت ایرانی-اسلامی را می توان در همه ی سطوح زندگی و محیط ساخته شده ای جست و جو کرد که به القای بعد معنوی با شخصیت مذهبی خاص در کلیه شهرهای ایرانی-اسلامی منجر شده است. در زمینه ی جایگاه المان های شهری پایدار در معماری ایرانی-اسلامی نیز معانی در طراحی معماری ایرانی-اسلامی مورد بررسی قرار گرفته است. در بستر معماری ایرانی-اسلامی توجه به جنبه ی باطنی پدیده ها ی عامل به عنوان عنصر اصلی پژوهش مورد بحث قرا گرفته است؛ به عنوان مثال مفاهیمی چون توحید، وحدت در عین کثرت، تجلی پروردگار در عالم خلقت و حرکت دائم در جهان مادی نمونه ای از مواردی هستند که در خلق المان های پایدار با هویت ایرانی-اسلامی مؤثر هستند. در طراحی المان ها و نشانه های شهری بایستی مؤلفه- های «تاریخی بودن»، «بومی بودن»، «متمایز بودن»، «پذیرا بودن»، «طراحی، فرم و معماری»، «محسوریت

فضایی» و «نمای مناسب» در نظر گرفته شود تا هویت کالبدی شهرها ارتقاء یابد. همچنین با بهره‌گیری از خاطرات مردم اصیل شهر می‌توان المان‌هایی متناسب با فرهنگ بومی طراحی کرد.

منابع و مراجع

- [۱] ایزدیاری، الف، نیایی، الف، ۱۳۹۱، نقش نمادها و عناصر شاخص معماری در شکل گیری هویت ملی، اولین کنفرانس بین‌المللی نقش میراث فرهنگی در شکل‌گیری هویت ملی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز.
- [۲] میره، م، موسوی، ع، ۱۳۸۸، نمادهای کالبدی شهر و شهر سازی در قرآن، اداره کل تحقیقات و توسعه شهرداری تهران.
- [۳] سلسله، ع، سلسله، م، ۱۳۸۸، بررسی تاثیر عامل هویت (ایرانی، اسلامی) بر زیبایی شهر، دو فصلنامه معماری و شهرسازی آرمان شهر، شماره ۲.
- [4] Mateus, Ana Sofia. (2006), Outlet City Metzging An Urban cultural identity based on consumption, a cultural identity based on consumption 42nd ISoCaRP Congress.
- [5] Edgar, A, (2005). The Philosophy of Habermas. Montreal, McGill-Queen's UP.
- [6] Heidegger, M, (2002). "Time and Being". On Time and Being. Translated by Joan Stambaugh. Chicago: University of Chicago Press.
- [۷] سلسله، م، ۱۳۸۸، بررسی تاثیر عامل هویت ایرانی اسلامی بر زیبایی شهری، آرمانشهر، شماره ۲، ص ۳.
- [۸] آتشین بار، م، ۱۳۸۸، تداوم هویت در منظر شهری، فصلنامه باغ نظر، شماره ۱۲، صص ۳۵-۵۶.
- [۹] قطبی، ع، الف، ۱۳۸۷، مفهوم هویت و معماری امروز ایران، ماهنامه خیال، شماره ۱۰.
- [۱۰] حبیب، ف، نادری، م، فروزانگر، ح، ۱۳۸۷، پرسمان تبعی در گفتمان شهر و هویت (کالبد شهر تابع هویت یا هویت تابع کالبد شهر)، نشریه هویت شهر، سال دوم، شماره ۳.
- [11] Kohler, Stefan (1996) The demand and limitations of sustainable water use in Arid regions: a discussion of "sustainable development" taking the Wadi Markhah (republic of Temen) as an example. Applied Geography and development, Vol 47:25-36.
- [۱۲] نقی زاده، م، ۱۳۸۶، ادراک زیبایی و هویت شهر (در پرتو تفکر اسلامی)، اصفهان: انتشارات شهرداری اصفهان.
- [۱۳] حجت، ع، ۱۳۸۴، هویت انسان ساز، انسان هویت پرداز تأملی در رابطه هویت و معماری «، فصلنامه هنرهای زیبا، شماره ۲۴، صص ۵۵-۶۲.
- [۱۴] پاکزاد، ج، ۱۳۸۲، راهنمای طراحی فضای شهری در ایران، چاپ دوم، تهران: شورای حوزه معاونت شهر سازی و معماری وزارت مسکن و شهرسازی.
- [15] Alsayyad, Nezar, (2001). Hybrid culture/ hybrid urbanism: Pandora s box of the third place, in: Nezar Alsayyad (Ed.), Hybrid urbanism on the identity discourse and the built environment, Praeger Publishers.
- [16] Harold , Carter (1989). An introduction to Urban Historical Geography, London and New York.
- [17] Itagaki , Yuzo (1989) . Urbanism in Islam : Opening message , Msdiniya : news Letter.
- [۱۸] مددپور، م، ۱۳۸۰، مبانی هنرهای تجسمی در اسلام، مجله هنرهای تجسمی، شماره ۱۴.
- [۱۹] دانش، ج، ۱۳۸۰، مبانی شکل‌گیری و اصول سازمان یابی کالبدی شهر اسلامی، مجله شهر ایرانی-اسلامی، سال اول، شماره یکم، پژوهشکده فرهنگ و هنر، تهران.
- [۲۰] رزمی، ح. ر، میرزاعلی، م، ۱۳۹۵، کنکاشی پیرامون المان های شهری با رویکرد معماری ایرانی- اسلامی، فصلنامه پژوهش های علوم جغرافیایی، معماری و شهرسازی، دوره: ۱، شماره: ۲.